

# تحلیل و نقد آراء قائلان به مکی بودن سوره الرحمن حسین علوی مهر

## چکیده

اهمیت علم تاریخ‌گذاری سوره‌های قرآن کریم یا به عبارتی دانستن مکی یا مدنی بودن سوره، شناخت بهتر مفاهیم آیات و سوره‌ها، و تشخیص دقیق‌تر چگونگی مباحث اعتقادی، اخلاقی و احکام و مراحل آن به ما می‌آموزد. یکی از سوره‌های اختلافی قرآن کریم که برخی آن را مکی و برخی مدنی دانسته‌اند «سوره الرحمن» است. اهمیت دستیابی به قول صحیح در خصوص این سوره به این جهت است که روایات، نزول آن را قبل از سوره انسان دانسته‌اند با مکی دانستن این سوره، اقوالی که سوره انسان را نیز مکی می‌دانند قوت گرفته و در نتیجه روایات صحیحی که شأن نزول سوره و فضایل و کمالات بیان شده در آن در وصف اهل بیت (علیهم السلام) و رسیدن ایشان به مقام ابرار را بیان می‌کند مورد خدشه قرار می‌گیرد. در این مقاله با تتبع در روایات و اسلوب و محتوای سوره، اقوال قائلان به مکی بودن این سوره مورد نقد قرار گرفته و رد می‌شود و مدنی بودن سوره مطابق روایات ترتیب نزول سوره اثبات می‌گردد.

**واژگان کلیدی:** سوره الرحمن، مکی، مدنی، ترتیب نزول، تاریخ‌گذاری سوره‌ها

## 1- طرح مسأله

نزول قرآن در بستر زمانی خاص و مرتبط با تاریخ عصر نزول صورت پذیرفته است و طبیعی است که آشنایی با تاریخ نزول سوره ها و آیات قرآن کریم و شرایط نزول آن، کم و بیش در شناخت و فهم بهتر آیات قرآن کریم مؤثر است. شناخت مکی و مدنی بودن آیات و سوره، تلاشی در همین راستا یعنی فهم صحیح مراد خداوند است. عالمان علوم قرآنی از عصر اول، به این علم توجه داشته و آن را رونق داده‌اند و در زمانهای بعد نیز مورد توجه بیشتری قرار گرفته است. در این بین در تشخیص مکی یا مدنی بودن برخی سوره بین دانشمندان، بنا به دلایل متعددی، اختلافاتی بوجود آمده است. سوره «الرحمن» یکی از این سوره های اختلافی است. اهمیت پرداختن به مکی یا مدنی بودن این سوره، به روایات ترتیب نزولی بر می گردد که نزول این سوره را قبل از سوره دهر (انسان) می‌دانند؛ زیرا در صورت مکی دانستن سوره انسان روایات صحیحی که معرف نزول این سوره در شأن اهل بیت (علیهم السلام) است مورد خدشه قرار می‌گیرد. و عده‌ای به خاطر اینکه این دسته از روایات را رد کنند به دنبال اثبات مکی بودن سوره انسان هستند. لذا اثبات مدنی بودن سوره الرحمن، نه تنها روایاتی مانند: عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ (عَلَيْهِ السَّلَامُ)، قَالَ: «سُورَةُ الرَّحْمَنِ نَزَلَتْ فِينَا مِنْ أَوْلَاهَا إِلَى آخِرِهَا». (استرآبادی، 1409، 611، ص 611؛ بحرانی، 1415، 230/5)، منقول در منابع شیعی پیرامون این سوره تحکیم می بخشد بلکه مدنی بودن سوره انسان و روایات شأن نزول مربوط به آن را نیز تقویت می‌کند. از نظر پیشینه این بحث، به طور عمده در تفاسیر، آغاز سوره و در بحثهای علوم قرآنی در جدول سوره های مکی و مدنی مورد بحث قرار گرفته است، پژوهش یا مقاله مستقلی در این زمینه یافت نشد.

## 2- تبیین مفاهیم

برای تشخیص سوره‌های مکی و مدنی بر اساس مضمون و محتوای سوره ها ملاک‌ها و معیارهایی ذکر شده است  
پیش از اصل بحث به برخی از معیارها و ضوابط مکی و مدنی بودن سوره ها اشاره می‌شود.

### 1-2- روش های شناخت سوره های مکی و مدنی

برای شناخت سوره های مکی و مدنی معیارهایی بیان شده است:

**اول:** معیار زمانی: منظور زمان قبل از هجرت پیامبر(ص) و بعد از هجرت آن حضرت می باشد، آن چه قبل از هجرت نازل شده باشد مانند سوره علق، قلم، مدثر، مزمل، و.... مکی و آن چه بعد از هجرت نازل شده باشد، مانند سوره بقره، انفال، آل عمران، نساء، و ... مدنی گویند.

**دوم:** معیار مکانی: یعنی آن چه در شهر مکه و اطراف آن نازل شده است، «مکی»، و آن چه در شهر مدینه و اطراف آن نازل شده است «مدنی» گویند.

**سوم:** معیار خطابی: یعنی آن سوره هایی که با خطاب «یا ایها الناس» آمده «مکی» و آن سوره هایی که با خطاب «یا ایها الذین آمنوا» آمده «مدنی» است.

**چهارم:** معیار محتوایی: یعنی اگر محتوا از مسائل اعتقادی است «مکی» و اگر از مسائل حکومتی، احکام و خانوادگی باشد «مدنی» است، با این توضیح که در مکه مکرّمه هنوز حکومت اسلامی تشکیل نشده بود و شرک و بت پرستی در آن جا حاکمیت داشت و مردم با مشرکان در ارتباط بودند، یکی از مهم‌ترین ویژگی‌های سوره‌های مکی، تصحیح اعتقادات مسلمانان بود که در مورد توحید، نبوت و معاد سخن گفته است و شبهه‌های اعتقادی آن زمان را برطرف می‌ساخت؛ اما در مدینه منوره، با قدرتمند شدن اسلام و تشکیل حکومت از جانب رسول خدا (ص) مسلمانان نیاز فراوان به قوانین فردی و اجتماعی (حکومتی و غیر آن) داشتند و خداوند با فرستادن آیاتی متقن و محکم، قوانین اسلامی را برای آن‌ها بیان می‌کرد و احکام جهاد، ازدواج، طلاق، نماز، روزه، قصاص، حدود، دیات، معاملات، زکات، خمس، حج، ارتباط با اهل کتاب و دولت‌های دیگر و... را به تدریج فرستاد. (ر، ک، سیوطی، 1421، 77/1؛ و معرفت، 1415، ج 1، ص 77 و نیز معرفت، 1386، ص 70 و 71)

از موارد فوق مورد اول و چهارم برای مفسران قابل توجه و تصمیم‌گیری است.

## 2-2- ویژگی سوره های مکی

در کتابهای علوم قرآنی برای سوره های مکی ویژگی هایی بیان شده است از جمله : برخورداري سوره از واژه‌ی «کَلَّمَ»، دارای سجده ، کلمه «یا ایهاالناس»، حروف مقطعه و در آن داستان حضرت آدم و ابلیس باشد. (سیوطی، 1421، 71/1). و نیز دارای داستان انبیاء و در دسته ی مفسلات قرار داشته باشد. ( زرکشی، 1410، 286/1-285) و از نظر اسلوبی، برخوردار از کوتاهی آیات و سور، کثرت تأکید، کثرت فواصل، دارای وزن و سجع نیرومند، بیان اخبار رسولان و داستان‌های امت‌های گذشته و از نظر موضوعی برخوردار از اصول اعتقادی، سرزنش آداب و رسوم زشت، بیان اصول اخلاقی، توجه به داستان انبیاء با اقوامشان (زرقانی، بی تا، 226-227/1)، همچنین سوره‌های مکی از عادات زشت جاهلی، نظیر: قتل، خونریزی، زنده به گور ساختن دختران، از بین بردن آبروی افراد و خوردن مال یتیم، سخن می‌گوید. (زرقانی، همان)

## 2-3- ویژگی سوره های مدنی

ویژگیهای نیز برای سوره های مدنی بیان شده است از جمله؛ در آن حد و فریضه، احکام جهاد، قوانین حکومتی و خانواده، دعوت اهل کتاب به اسلام، ذکر منافقان و عبارت «یا ایها الذین آمنوا» باشد. (زرقانی، همان)، اما از نظر اسلوبی، بیشتر آیات و سوره های آن طولانی، اسلوبی آرام و دلیل آوری روشن هنگام رویارویی با اهل کتاب، و اسلوب تحقیر هنگام مقابله با منافقان و رسوا کردن مقاصد پلیدشان (سیوطی، 1421، 71/1). و از نظر موضوعی برخوردار از بیان تفصیل احکام، بیان قواعد تشریح در خصوص جهاد و فلسفه‌ی تشریح و احکام آن ، دعوت اهل کتاب به اسلام و اقامه ی دلیل بر علیه آن‌ها. ( زرکشی، 1410، 286/1-285).

## 2-4-سوره الرحمن

پنجاه و پنجمین سوره طبق ترتیب موجود در قرآن و نود و هفتمین سوره طبق ترتیب نزول بر اساس روایت ترتیب نزول می باشد نام‌گذاری این سوره به نام «الرحمن» که یکی از نام‌های الهی است، از اولین آیه آن گرفته

شده است. در این سوره مجموعه ای از نعمتهای خداوند در دنیا و آخرت برشمرده شده است بطوری که بعد از ذکر هر نعمتی از بندگان خود که مجموعاً 31 مرتبه می شود با آیه «فَبِأَيِّ آلَاءِ رَبِّكُمَا تُكَذِّبَانِ» اقرار می گیرد که در روایتی از امام صادق (ع) نقل شده است که پس از آیه مذکور عبارت «لَا بِشَيْءٍ مِّنَ الْإِثْمِ رَبُّكَ كَذَّابٌ» خوانده شود لحن و نسق و سبک سوره «الرحمن» علی رغم اینکه در پاره ای روایات متقن که ترتیب نزول آن را مدنی دانسته اند ولی در ظاهر با سوره های مکی سازگارتر است. در ادامه در این باره مطالبی ارائه خواهد شد.

با توجه به اهمیت موقعیت زمانی نزول سور در تفسیر آیات، قریب به اتفاق مفسران به این مهم پرداخته اند؛ که سوره الرحمن نیز ز جمله آنهاست؛ در منابع معتبر علوم قرآنی و متون تفسیری پیرامون زمان نزول سوره «الرحمن» اختلاف نظر وجود دارد؛ برخی به مدنی بودن آن اذعان دارند و برخی قائل به مکی بودن آن هستند البته عده قلیلی نیز مردد بین مکی یا مدنی بودن آنند که در ذیل به دلایل قائلین به آنها می پردازیم:

### 3-3- دلایل قائلین به مدنی بودن سوره الرحمن

عده قابل توجهی از مفسران با استناد به روایات، برمدنی بودن سوره الرحمن صحه گذاشته اند اگر چه در بیان آن شدت و ضعف آشکار است یعنی برخی با شدت و حدت بر مدنی بودن آن بلا شک مصرند و برخی با احتیاط آن را مدنی می دانند.

### 3-1-1- روایات ترتیب نزول سوره ها:

برای نشان دادن مکی و یا مدنی بودن سوره الرحمن ابتدا لازم است به روایات وارده در باب ترتیب نزول سوره ها و جدول های ترتیب نزول نظری داشته باشیم. این روایات که به چند تن از صحابه و تابعان مستند می شوند، در شناسایی مکی و یا مدنی بودن سوره ها مهم ترین نقش را ایفا می کنند. بسیاری از مفسران و دانشمندان علوم قرآنی برای اثبات مکی یا مدنی بودن سوره ها به آن استناد می کنند، مهم ترین این روایات عبارت اند از:

### 3-1-1-1- روایت ابن عباس از طریق عثمان بن عطاء از پدرش

ابن ضریس این روایت را در کتاب خود به صورت کامل نقل می کند. بدین صورت که او تمامی سوره ها را در دو بخش مکی و مدنی و با کاربرد حرف عطف «ثم» ترتیب نزول آن ها ذکر می کند. در این روایت سوره ی الرحمن یازدهمین سوره در بخش مدنی و در بین سوره های رعد و انسان قرار گرفته است. متن روایت به صورت زیر است:

ابن ضریس گفت: از احمد شنیدم که گفت: از محمد و او از محمد بن عبد الله بن ابی جعفر الرازی شنید که گفت: عمرو بن هارون گفت: از عثمان بن عطاء خراسانی از پدرش عطاء از ابن عباس رضی الله عنهما- گفت: اولین سوره الفاتحه بوده که در مکه نازل شده و در مکه نوشته شد سپس خداوند سوره ها را زیاد کرد و اولین سوره ای که در مکه نازل شد: اقرأ باسم ربك الذي خلق... (سیوطی، ۱۴۲۱، ۲۶۱) که هشتاد و شش سوره در مکه نازل شده و بیست و هشت سوره در مدینه نازل شده که شامل: البقرة ثم الأنفال، ثم آل عمران ثم الأحزاب، ثم الممتحنة، ثم النساء، ثم الزلزلة، ثم الحديد، ثم سورة محمد، ثم الرعد، ثم الرحمن، ثم الإنسان، ثم الطلاق، ثم البینه، ثم

الحشر، ثم النصر، ثم الحج، ثم المنافقون، ثم المجادلة، ثم الحجرات، ثم التحريم، ثم الجمعة، ثم التغابن، ثم الصف، ثم الفتح، ثم المائدة ثم التوبة. (ابن ضريس البجلي، 1408، ص 33؛ سيوطي، 1421، 35/1).

امین الاسلام طبرسی مؤلف مجمع البیان تصریح به مدنی بودن سوره «الرحمن و الانسان» هر دو نموده، وی با استناد به ترتیب روایت عمرو بن هارون از عثمان از عطا از ابن عباس نقل می کند که سوره الرحمن یازدهمین سوره مدنی است و می افزاید: این 28 سوره مدنی را احمد زاهد با سندش به همین ترتیب در کتاب «الإيضاح» نقل کرده است (طبرسی، 1372، 613/10).

### 3-1-2- روایت مجاهد از ابن عباس

سیوطی در الاتقان به نقل از ابوجعفر نحاس آورده است که وی در کتاب ناسخ و منسوخ خود اظهار نظر ابن عباس را از طریق مجاهد درباره مکی یا مدنی بودن سوره ها ذکر کرده است و سوره ی الرحمن را جزو سوره های مدنی به شمار آورده استق «أَلْ أَبُو جَعْفَرِ النَّحَّاسُ فِي كِتَابِهِ النَّاسِخُ وَالْمَنْسُوخُ: حَدَّثَنِي يَمُوتُ بْنُ الْمُزَرَاعِ حَدَّثَنَا أَبُو حَاتِمٍ سَهْلُ بْنُ مُحَمَّدٍ السَّجِسْتَانِيُّ أَنْبَأَنَا أَبُو عُبَيْدَةَ مَعْمَرُ بْنُ الْمُثَنَّى حَدَّثَنِي يُونُسُ بْنُ حَبِيبٍ سَمِعْتُ أَبَا عَمْرٍو بْنَ الْعَلَاءِ يَقُولُ: سَأَلْتُ مُجَاهِدًا عَنْ تَلْخِصِ آيِ الْقُرْآنِ الْمَدَنِيِّ مِنَ الْمَكِّيِّ فَقَالَ... وَالِدَارِيَاتِ وَالطُّورِ وَالنَّجْمِ وَالْقَمَرِ وَالرَّحْمَنِ وَالْوَاقِعَةَ وَالصَّفَّ وَالتَّغَابِنُ إِلَّا آيَاتٍ مِنْ آخِرِهَا نَزَلْنَ بِالْمَدِينَةِ...» (سيوطي، 1421، 39/1)

در این روایت مشاهده می شود که هرچند بر اساس ترتیب اجتهادی سوره ها ذکر شده اند ولیکن سوره الرحمن در شمار سور مدنی قرار دارد.

### 3-1-3- روایت عکرمه و حسن ابن ابی الحسن

بیهقی در دلائل النبوة این روایت را از عکرمه و حسن بصری آورده است. بیهقی با اسناد صحیح روایت کرده که از ابوعبدالله الحافظ شنیدم که گفت: از ابو محمد بن زیاد العدل شنیدم که گفت: از محمد بن اسحاق روایت کرده که او از یعقوب بن ابراهیم الدورقی که او از احمد بن نصر بن مالک الخزاعی و او از علی بن حسین بن الواقد و او از پدرش شنیده که او از یزید نحوی و او از عکرمه و حسن بن ابی الحسن ابتداء سوره هایی را که در مکه نازل شده اند آورده و پس از آنها سوره های مدنی به این ترتیب معرفی می کند: المطففين، والبقره، وآل عمران، والأنفال، والأحزاب، والمائدة، والممتحنة، والنساء، والزلزلة، والحديد، ومحمد، والرعد، والرحمن، والإنسان، والطلاق، والبينة، والحشر، والنصر، والنور، والحج، والمنافقون، والمجادلة، والحجرات، والتحريم، والصف، والجمعة، والتغابن، والفتح، والتوبة. (بیهقی، ۱۴۰۸، ۱۴۲/۷؛ سیوطی، ۱۴۰۸، ۳۵/۱).

ملاحظه می شود که طبق این روایت که ابتدا سوره های مکی و سپس سوره های مدنی را به ترتیب نزول و با حرف عطف «و» در خود گرد آورده است، سوره ی الرحمن مدنی و در بین سوره های رعد و انسان قرار گرفته است. مرحوم طبرسی عینا همین روایت را نیز در مجمع البیان آورده. (طبرسی، همان) و این ترتیب افزون بر آن که مدنی بودن سوره «الرحمن» را می رساند، دلیلی آشکاری بر مدنی بودن سوره «انسان» نیز می باشد.

### 3-1-4- روایت محمد بن مسلم الزهری

در روایت ابن شهاب الزهری که از تابعان بشمار می رود در کتاب «الناسخ والمنسوخ و تنزیل القرآن بمکه والمدینه» که منسوب به وی می باشد بعد از معرفی 85 سوره مکی، 29 سوره مدنی را این گونه نام می برد: فأول ما أنزل بالمدينة الفاتحة، ثم سورة البقرة، ثم سورة الأنفال، ثم سورة آل عمران، ثم سورة الأحزاب، ثم سورة الممتحنة، ثم سورة النساء، ثم سورة إذا زلزلت، ثم سورة الحديد، ثم سورة محمد صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ، ثم سورة الرعد، ثم سورة الرحمن، ثم سورة هل أتى على الإنسان، ثم سورة الطلاق، ثم سورة لم يكن، ثم سورة الحشر، ثم سورة النصر، ثم سورة النور، ثم سورة الحج، ثم سورة إذا جاءك المنافقون، ثم سورة المجادلة، ثم سورة الحجرات، ثم سورة التحريم، ثم سورة الجمعة، ثم سورة التغابن، ثم سورة الصف، ثم سورة الفتح، ثم سورة المائدة، ثم سورة التوبة وهي آخر ما نزل من القرآن. (ابوالقاسم هبه الله، 1315ه.ق، 42). در این روایت نیز سوره الرحمن مدنی و بعد از سوره رعد و قبل از سوره انسان نازل شده است.

### 3-1-5- روایت امام علی (ع)

روایتی دیگر شهرستانی، و نیز احمد زاهد در کتاب «الأيضاح» و طبرسی از سعید بن مسیب از امام علی بن ابیطالب (ع) نقل کرده است که: سوره «الرحمن» بین سوره رعد و الإنسان در مدینه نازل شده است در این روایت چنین آمده است: «أول ما نزل بالمدينة سوره «البقره» ثم الأنفال ثم آل عمران ثم الأحزاب ثم الممتحنة ثم النساء ثم إذا زلزلت ثم الحديد ثم سوره محمد ثم الرعد ثم سوره الرحمن ثم هل أتى ... فهذا ما أنزل بالمدينة.» (شهرستانی 1387ه.ش، 16/1؛ طبرسی، 1372ه.ش، 614/10). طبق این روایت، که ترتیب سوره ها با «ثم» آمده است، هم سوره الرحمن و هم سوره انسان هر دو مدنی شمرده شده است.

### 3-1-6- روایت قتاده

قتاده در باره سوره الرحمن دو نقل متخالف دارد یکی از آنها در بیان مدنی بودن سوره الرحمن است و دیگری در مکی بودن آن: ابن الأنباری روایتی را از اسماعیل بن اسحاق القاضي و او از حجاج بن منهال و او از هشام و هشام از قتاده در روایتی آورده است که: سوره هایی از قرآن که در مدینه نازل گردیده اند شامل: البقره، و آل عمران، والنساء، والمائدة، والأنفال، وبراءة، والرعد، والنحل، والحج، والنور، والأحزاب، ومحمد، والفتح، والحجرات، والرحمن، والحديد، والمجادلة، والحشر، والممتحنة، والصف، والجمعة، والمنافقون، والتغابن، والطلاق، وبأيها النبي لم تحرم إلى رأس العشر، وإذا زلزلت، وإذا جاء نصر الله؛ می باشند و بقیه سوره ها در مکه نازل شده اند، (سیوطی، 1421، 36/1، ج 36/1؛ قرطبی، 1364ه.ق، 62/1). این بیست و هفت سوره در مدینه نازل شده و مؤید این سخن روایتی است که ابن سعد در کتاب طبقات خود آورده است: واقدی به ما خبر داد از قدامه بن موسی و او از ابی سلمه حضرمی و او گفت که از ابن عباس شنیدم و ابن عباس نیز گفت که از ابی بن کعب پرسیدم چه تعداد سور در مدینه نازل شده است؟ ابی بن کعب پاسخ داد همین بیست و هفت سوره در مدینه

نازل شده و بقیه سورها در مکه نازل شده است. (ربانی، بی تا، 264/1). ملاحظه می شود که طبق این روایات نیز سوره الرحمن در مدینه و قبل از سوره حدید و مجادله نازل شده است.

### 3-2- منابع تفسیری و علوم قرآنی

سمرقندی در تفسیر خود سوره را مدنی دانسته است (سمرقندی، 1416، 378/1). طبرسی در مجمع البیان تصریح دارد که سوره الرحمن مدنی است و دلایل و شواهد زیادی بر آن می آورد و در ضمن آن ثابت می کند، که هم سوره الرحمن و هم سوره انسان هر دو مدنی هستند و تنها بعضی از متعصبین و دشمنان اهل بیت (ع) اصرار دارند که سوره هل اُتی و قصّه إطعام مکی است. (طبرسی، 1372 ه.ش، 414/1)، زمخشری نیز سوره را مدنی دانسته (زمخشری، 1407، 442/4). همچنین تفسیر التسهیل سوره را مدنی و نزولش را بعد از سوره رعد بشمار آورده است (ابن جزی، 1416، 327/2). آلوسی در روح المعانی نیز بر اساس روایتی از ابن عباس و جمال القراء از بعضی صحابه سوره الرحمن به جز آیه «يَسْئَلُهُ مَنْ فِي السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضِ» را مدنی دانسته است. (آلوسی، 1415، 960/14). همچنین صاوی در حاشیه بر تفسیر جلالین سوره الرحمن را مدنی دانسته، به خلاف خود تفسیر جلالین که سوره را مکی دانسته بود (صاوی، 1427، 125/5). همچنین تفسیر الوجیز نیز سوره «الرحمن» را مدنی دانسته (دخیل، 1422، 713).، همچنین ملاحویش آل غازی که تفسیرش را بر اساس ترتیب نزول بنیان گذاری کرده است، نیز معتقد است سوره الرحمن بعد از رعد در مدینه نازل شد (آل غازی، 1382 ه.ش، 55/6). همچنین الاساس فی التفسیر سوره را مدنی دانسته (حوی، 1424، 5637/10). سبزواری نجفی نیز سوره را مدنی دانسته (سبزواری، 1419، 536). مولف تفسیر روان جاوید نیز سوره را مدنی دانسته (ثقفی تهرانی، 1398 ه.ق، 110/5)، ج 5، ص: 110 و تفسیر مواهب علیه تصریح بر مدنی بودن سوره الرحمن دارد. (کاشفی، بی تا، 1199). زرکشی در کتاب خود البرهان بدون هیچگونه وجه اختلافی سوره الرحمن را مدنی و آن را بین سوره های رعد و انسان آورده است فأول ما نزل فیها: سورة «البقرة»، ثم «الأنفال»، ثم «آل عمران»، ثم «الأحزاب»، ثم «الممتحنة»، ثم «النساء»، ثم «إذا زلزلت»، ثم «الحديد»، ثم «محمد»، ثم «الرعد»، ثم «الرحمن»، ثم «هل أتی»، ثم «الطلاق»، ثم «لم یکن»، ثم «الحشر»، ثم «إذا جاء نصر الله»، ثم «النور»، ثم «الحج»، ثم «المنافقون»، ثم «المجادلة»، ثم «الحجرات»، ثم «[یا ایها النبئی] لم تحرم» «التحریم»، ثم «الصف»، ثم «الجمعة»، ثم «التغابن»، ثم «الفتح»، ثم «التوبة»، ثم «المائدة» (زرکشی، 1410، 281/1) و همچنین وی این سوره را یازدهمین سوره ی نازل شده در مدینه به شمار آورده است. و در ترتیب منقول خود می گوید: و علی هذا استقرت الروایه من الثقات (همان، 282/1).

آیت الله معرفت نیز با ارائه جدولی از ترتیب نزول سوره ها طبق روایت ابن عباس و تکمیل آن مطابق روایت جابر بن زید با تصحیح از روی نسخه های متعدد قابل اعتماد سوره «الرحمن» را مدنی و نود وهفتمین سوره نازل شده و ما بین سوره رعد و دهر می داند. (معرفت، 1415، 136/1).

ترتيب موجود	ترتيب نزول	نام سوره	ترتيب موجود	ترتيب نزول	نام سوره	ترتيب موجود	ترتيب نزول	نام سوره	ترتيب موجود	ترتيب نزول	نام سوره
۸	88	انفال	۳۹	59	زمر	۱۰۱	30	قارعة	۹۶	1	علق
۳	89	آل عمران	۴۰	60	غافر	۷۵	31	قيامه	۶۸	2	قلم
۳۳	90	احزاب	۴۱	61	فصلت	۱۰۴	32	الهمزة	۷۳	3	مزمل
۶۰	91	ممتحنه	۴۲	62	شورى	۷۷	33	مرسلات	۷۴	4	مدثر
۴	92	نساء	۴۳	63	زخرف	۵۰	34	ق	۱	5	حمد
۹۹	93	زلزال	۴۴	64	دخان	۹۰	35	بلد	۱۱۱	6	مسد
۵۷	94	حديد	۴۵	65	جاثيه	۸۶	36	الطارق	۸۱	7	تكوير
۴۷	95	محمد	۴۶	66	احقاف	۵۴	37	قمر	۸۷	8	اعلى
۱۳	96	رعد	۵۱	67	ذاريات	۳۸	38	ص	۹۲	9	الليل
۵۵	97	الرحمن	۸۸	68	الغاشية	۷	39	اعراف	۸۹	10	فجر
۷۶	98	انسان	۱۸	69	كهف	۷۲	40	جن	۹۳	11	الضحى
۶۵	99	طلاق	۱۶	70	نحل	۳۶	41	يس	۹۴	12	انشراح
۹۸	100	بينه	۷۱	71	نوح	۲۵	42	فرقان	۱۰۳	13	عصر
۵۹	101	حشر	۱۴	72	ابراهيم	۳۵	43	فاطر	۱۰۰	14	عاديات
۱۱۰	102	نصر	۲۱	73	انبيا	۱۹	44	مريم	۱۰۸	15	كوثر
۲۴	103	نور	۲۳	74	مؤمنون	۲۰	45	طه	۱۰۲	16	تكاثر
۲۲	104	حج	۳۲	75	سجده	۵۶	46	واقعه	۱۰۷	17	ماعون
۶۳	105	منافقون	۵۲	76	طور	۲۶	47	شعراء	۱۰۹	18	كافرون
۵۸	106	مجادله	۶۷	77	ملك	۲۷	48	نمل	۱۰۵	19	فيل
۴۹	107	حجرات	۶۹	78	الحاقة	۲۸	49	قصص	۱۱۳	20	فلق
۶۶	108	تحريم	۷۰	79	معارج	۱۷	50	اسراء	۱۱۴	21	ناس
۶۲	109	جمعه	۷۸	80	نبا	۱۰	51	يونس	۱۱۲	22	اخلاص
۶۴	110	تغابن	۷۹	81	نازعات	۱۱	52	هود	۵۳	23	نجم
۶۱	111	صف	۸۲	82	انفطار	۱۲	53	يوسف	۸۰	24	عبس
۴۸	112	فتح	۸۴	83	انشقاق	۱۵	54	حجر	۹۷	25	قدر
۵	113	مائده	۳۰	84	روم	۶	55	انعام	۹۱	26	شمس
۹	114	توبه	۲۹	85	عنكبوت	۳۷	56	صافات	۸۵	27	بروج
			۸۳	86	مطففين	۳۱	57	لقمان	۹۵	28	تين
			۲	87	بقره	۳۴	58	سبا	۱۰۶	29	قريش



#### 4-دلائل قائلین به مکی بودن سوره الرحمن

همانگونه که برخی، قائل به مدنی بودن این سوره هستند، در برخی تفاسیر و روایات مکی بودن سوره الرحمن نیز مشاهده می شود

#### 4-1- نقل روایات

در ذیل به برخی از روایات که قائلین به مکی بودن سوره الرحمن به آنها استناد کرده اند اشاره می کنیم:

#### 4-1-1- روایت علی بن ابی طلحه

ابوعبید قاسم بن سلام این روایت را از طریق عبدالله بن صالح و معاویه بن صالح از علی بن ابی طلحه نقل می کند. او در این روایت سوره های مدنی را با حرف عطف «و» آورده و بقیه ی سوره ها را مکی دانسته است. وی سوره ی الرحمن را در شمار سوره های مدنی نیاورده و لذا آن را مکی به حساب آورده است. (هروی البغدادی، 1415، 365).

#### 4-1-2- روایت دیگری از قتاده (۱۸ق):

همانگونه که ذکر شد در نزول سوره الرحمن از قتاده دو سخن متفاوت نقل شده است که نیاز به بررسی دارد

طریق حارث المحاسبی در کتاب «فهم القرآن» خود آورده که: حارث از شریح روایت کرده که گفت: از سفیان شنیدم که او از معمر و معمر از قتاده روایت کرده که سوره هایی که در مدینه نازل شده اند عبارتند از: البقره، و آل عمران، والنساء، والمائدة، والأنفال، والتوبة، والرعد، والحجر، والنحل، والنور، والأحزاب، وسورة محمد (صلى الله عليه وسلم) والفتح، والحجرات، والحديد، والمجادلة، والممتحنة، والصف، والجمعة، والمنافقون، والتغابن، والنساء الصغرى، و "يا أيها النبي لم تحرم"، و "لم يكن"، و "إذا جاء نصر الله والفتح"، و "قل هو الله أحد"، اما در نزول ارایت شک وجود دارد جمع آن بیست هفت سوره است که در مدینه نازل شده است. ولی بقیه سوره ها در مکه نازل گردیده است. (ربانی، بی تا، ۲۶۱/۱). طبق این نقل قول سوره الرحمن از سوره های مدنی نیست .

#### 4-1-3- روایت ابن عباس از طریق محمد بن سائب کلبی از ابی صالح:

این روایت را محمد بن حفص بن أسد کوفی از محمد بن کثیر و محمد بن سائب کلبی از ابی صالح نقل می کند، در این روایت سوره های مکی 82 مورد شمرده شده و سپس به ترتیب با حرف عطف «ثم» آورده شده است. ( یعقوبی، 1362 ه.ش، 116/1 ؛ ابن الضریس البجلی، 1408، 200/2)

طبق این روایت سوره الرحمن مکی بوده و بین سوره های انشراح و عصر نازل شده است، اما این که 82 سوره در مکه نازل شده است با نقل مشهور (86 یا 85 سوره مکی) موافقت ندارد.

#### 4-1-4- روایت جابرو اسماء بنت ابی بکر

سیوطی این سوره را طبق نظر جمهور مکی می‌داند. او برای اثبات عقیده ی خویش به روایتی که ترمذی و همچنین حاکم از جابر نقل کرده اند استناد می‌کند الْجُمْهُورُ عَلَيَّ أَنهَا مَكِّيَّةٌ وَهُوَ الصَّوَابُ وَيَدُلُّ لَهُ مَا رَوَاهُ التِّرْمِذِيُّ وَالْحَاكِمُ عَنْ جَابِرٍ قَالَ: "لَمَّا قَرَأَ رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ عَلَى أَصْحَابِهِ سُورَةَ الرَّحْمَنِ حَتَّى فَرَعَا قَالَ: مَا لِي أَرَاكُمْ سُكُوتًا لِلْجَنِّ كَانُوا أَحْسَنَ مِنْكُمْ رَدًّا مَا قَرَأْتُ عَلَيْهِمْ مِنْ مَرَّةٍ: {فَبِأَيِّ آلَاءِ رَبِّكُمَا تُكَذِّبَانِ} إِلَّا قَالُوا: وَلَا بِشَيْءٍ مِنْ نِعْمِكَ رَبَّنَا نَكْذِبُ فَلَكَ الْحَمْدُ." قَالَ الْحَاكِمُ: صَحِيحٌ عَلَى شَرْطِ الشَّيْخَيْنِ: وَقِصَّةُ الْجَنِّ كَانَتْ بِمَكَّةَ جُمْهُورٌ بِرَأْسِهَا هَسْتَنْدُ كَهْ مَكِّيٌّ اسْتِ وَ اَيْنَ نَظَرٍ صَحِيحٌ اسْتِ. رَوَايَتُ تَرْمِذِيٍّ وَ حَاكِمٍ اَزْ جَابِرٍ بَرِ اَيْنَ قَوْلٍ دَلَالَتِ دَارِدٍ. اَوْ مِيْ كَوِيْدٍ: وَ قَتِي رَسُوْلُ خُدَا سُوْرَه رَحْمَنٍ رَا بَرِ اصْحَابِشْ خَوَانِدْ تَا بَهْ پَايَان رَسِيْدٍ، فَرَمُوْدٌ: چَه مِيْ شُوْد كَه شَمَا رَا سَاكْت مِيْ بِيْنِم؟ يَقِيْنَا جَنِّيَان (بَعْد اَزْ نَزُوْل سُوْرَه) بَهْتَر اَزْ شَمَا عَكْس الْعَمَلِ نِشَان دَاْدَنْد؛ هِيْج «فَبِأَيِّ آلَاءِ رَبِّكُمَا تُكَذِّبَانِ» رَا بَر اِيْشَان نَخَوَانِدْم مَگَر اَنَكِهْ كَفْتَنْد: «پَرُوْرْد گَارَا، هِيْج نَعْمَتِي اَزْ نَعْمَتِ هَايْت رَا تَكْذِيْب نَمِيْ كَنِيْم وَ حَمْد مَخْصُوْص تُوْسْت.» حَاكِم كَوِيْد: اَيْنَ حَدِيْث، بِنَابِرِ شَرْطِ شِيْخَان [مَنْظُوْر شَرْطِ نَقْلِ حَدِيْثِ تَوْسَطِ بَخَاْرِيٍّ وَ مُسْلِمٍ دَرِ صَحَاْحِشَان اسْتِ] صَحِيْح اسْتِ وَ قِصَه جَنِّ دَرِ مَكِهْ اِتْفَاقِ اِفْتَاْدَه اسْتِ (سِيُوْطِي، 1421، 50/1).

و پس از آن روایت دیگری را از مسند احمد نقل می‌کند که صراحت در مکی بودن سوره دارد. وَأَصْرَحُ مِنْهُ فِي الدَّلَالَةِ مَا أَخْرَجَهُ أَحْمَدُ فِي مَسْنَدِهِ بِسَنَدٍ جَيِّدٍ عَنْ أَسْمَاءَ بِنْتِ أَبِي بَكْرٍ قَالَتْ: سَمِعْتُ رَسُولَ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ وَهُوَ يُصَلِّي نَحْوَ الرُّكْنِ قَبْلَ أَنْ يَصْدَعَ بِمَا يُؤْمَرُ وَالْمُشْرِكُونَ يَسْمَعُونَ: {فَبِأَيِّ آلَاءِ رَبِّكُمَا تُكَذِّبَانِ} وَفِي هَذَا دَلِيلٌ عَلَى تَقَدُّمِ نَزْوْلِهَا عَلَى سُورَةِ الْحَجْرِ. دَرِ اَيْنَ رَوَايَتِ نَزُوْلِ الرَّحْمَنِ قَبْلَ اَزْ حَجَرِ اسْتِ كَهْ مَكِّيٌّ اسْتِ.

#### 4-2- نظرات مفسران

برخی دیگر با دلایل ظاهری و اسنادی قائل به مکی بودن سوره الرحمن هستند. مقاتل بن سلیمان سوره الرحمن را مکی دانسته و شأن نزولش را چنین بیان می‌کند: ذلك أنه لما نزل ... اسْجُدُوا لِلرَّحْمَنِ ... قَالَ كِفَارُ مَكَّةَ: ... وَ مَا الرَّحْمَنُ أَسْجُدُ لِمَا تَأْمُرُنَا ... فَأَنْكُرُوا الرَّحْمَانَ وَ قَالُوا: لَا نَعْرِفُ الرَّحْمَانَ، فَأَخْبَرَ اللَّهُ - تَعَالَى - عَنْ نَفْسِهِ، وَ ذَكَرَ صَنْعَهُ لِيَعْرِفَ، فَيُوحِدُ فَقَالَ: «الرَّحْمَنُ» الَّذِي أَنْكُرُوهُ هُوَ الَّذِي: عَلَّمَ الْقُرْآنَ. (مقاتل بن سلیمان، 1423، 193/4).

احمد بن محمد میبدي، در میان اقوال نظراتی که سوره را مکی دانسته صحیح تر می‌داند و روایات ذیل را دلیل بر صحت نظریه خود دانسته: اول چیزی از قرآن که در مکه بر قریش آشکارا خواندند بعضی آیات از اول این سوره بود. روایت کردند از عبد الله بن مسعود گفت - صحابه رسول جمع شدند گفتند - قریش تا این غایت از قرآن هیچ نشنیدند در میان ما کیست که ایشان را قرآن شنوند آشکارا. عبد الله مسعود گفت - آن کس من باشم که قرآن آشکارا بر ایشان خواند اگر چه از آن رنج و گزند آید. پس بیامد و در انجمن قریش بیستاد و ابتداء سوره

الرحمن در گرفت و لختی از آن آیات برخواند. قریش چون آن بشنیدند از سر غیظ و عداوت او را زخمها کردند و رنجانیدند. پس چون بعضی خوانده بود او را فرا گذاشتند و بنزدیک اصحاب بازگشت فقالوا:- هذا الذی خشینا علیک یا ابن مسعود. اما سبب نزول این سوره آن بود که قریش نام رحمن کم شنیده بودند، چون آیت فرو آمد که: وَ إِذَا قِيلَ لَهُمْ اسْجُدُوا لِلرَّحْمَنِ چون ایشان را گویند که رحمن را سجود برید، ایشان گویند- وَ مَا الرَّحْمَنُ اِینِ رَحْمَنِ كَيْسَتْ وَ چيست. رب العالمین بجواب ایشان فرمود: الرَّحْمَنُ عَلَّمَ الْقُرْآنَ اِی- الرحمن الذی کفر به اهل مکة هو الذی، عَلَّمَ الْقُرْآنَ. (میبدی، 1371ه.ش، 405/9).

فخر رازی سوره را مکی دانسته است وی در یک نظر سوره الرحمن را ادامه آیه آخر سوره قبل (سوره قمر) می داند: "إن أول هذه السورة مناسب لآخر ما قبلها حيث قال في آخر تلك السورة: عِنْدَ مَلِيكَ مُقْتَدِرٍ [القمر: 55]، و الاقتدار إشارة إلى الهيبة و العظمة و قال هاهنا: الرَّحْمَنُ اِی عزیز شدید منتقم مقتدر بالنسبة إلى الكفار و الفجار، رحمن منعم غافر للأبرار" (فخر رازی، 1420، 335/29)،

اما صرف مناسبت داشتن با سوره ما قبل هیچ دلالتی بر ترتیب نزول و مکی بودن ندارد زیرا آن چه قطعی است اینکه چینش موجود بر اساس ترتیب نزول نیست.

ثعالبی نیز بنابر قول مشهور سوره را مکی دانسته (ثعالبی، 1418، 345/5)، ابو حیان نیز سوره را بنابر قول جمهور مکی دانسته و علت آن را روایات شان نزول سوره دانسته (ابو حیان، 1407، 1038/2). الوجیز فی تفسیر الکتاب العزیز این سوره را مکی دانسته (واحدی نیشابوری، 1415، 1052/2).

قرطبی بر اساس روایت حسن و عروه بن زبیر و عكرمة و عطاء و جابر سوره را مکی دانسته و سپس روایت ابن عباس را که به جز آیه 29 همه سوره مدنی است نقل نموده است، وی بعد از بیان روایت ابن مسعود و مقاتل مبنی بر مکی بودن این سوره قول اصح را مکی بودن دانسته و دلیل آن را روایت ذیل دانسته که در آن شواهدی بر مکی بودن وجود دارد: قال: أول من جهر بالقرآن بمكة بعد النبي صلى الله عليه و- سلم، ابن مسعود، و- ذلك أن الصحابة قالوا: ما سمعت قریش هذا القرآن يجهر به قط، فمن رجل يسمعه موه؟ فقال ابن مسعود: أنا، فقالوا: إنا نخشى عليك، و- إنما نريد رجلا له عشيرة يمنعونه، فأبى ثم قام عند المقام فقال: (بِسْمِ اللّٰهِ الرَّحْمٰنِ الرَّحِیْمِ. الرَّحْمٰنُ. عَلَّمَ الْقُرْآنَ) ثم تمادی رافعا بها صوته و- قریش فی أُنْدِيتِها، فتأملوا و- قالوا: ما يقول ابن أم عبد؟ قالوا: هو يقول الذی يزعم محمد أنه أنزل عليه، ثم ضربه حتى أثاروا في وجهه. و- صح أن النبي صلى الله عليه و- سلم قام يصلی الصبح بنخله، فقرأ سورة (الرحمن) و- مر النفر من الجن فآمنوا به. وفي الترمذی عن جابر قال: خرج رسول الله صلى الله عليه و- سلم على أصحابه فقرأ عليهم سورة (الرحمن) من أولها إلى آخرها فسكتوا، فقال: (لقد قرأتها على الجن ليلة الجن فكانوا أحسن مردودا منكم كنت كلما أتيت على قوله: (فَبِأَيِّ آلَاءِ رَبِّكُمَا تُكَذِّبانِ) \* قالوا لا بشيء من نعمك ربنا نكذب فلك الحمد) قال: هذا حديث غريب. وفي هذا دليل على أنها مكية و- الله أعلم. (قرطبی، 1364ه.ق، 151/17).

ابن کثیر نیز با استناد به روایتی در مسند احمد حنبل که در تقسیم بندی مصحف ابن مسعود (سبع طوال، مئین، مثنی، حوامیم، ممتحنات و مفصلات) آورده است که سوره الرحمن اولین مفصلات است پس آن را مکی دانسته (ابن کثیر، 1419، 451/7).

ابن جوزی نیز در میان روایات متعدد در مکی یا مدنی بودن سوره به مکی بودن سوره متمایل است و شاهد آن را روایت شان نزول سوره می داند: لَمَّا نَزَلَ قَوْلُهُ: اسْجُدُوا لِلرَّحْمَنِ «2»، قَالَ كَفَّارٌ مَكِّيٌّ: وَ مَا الرَّحْمَنُ؟! فَأَنْكَرُوهُ وَ قَالُوا: لَا نَعْرِفُ الرَّحْمَنَ، فَقَالَ تَعَالَى: «الرَّحْمَنُ» الَّذِي أَنْكَرُوهُ هُوَ الَّذِي «عَلَّمَ الْقُرْآنَ» (ابن جوزی، 1422، 205/4). ملافتح الله کاشانی نیز سوره را مکی دانسته (کاشانی، 1423، 539/6)، شیبانی معتقد است بدون هیچ اختلافی سوره مکی است (شیبانی، 1413، 118/5)، علامه طباطبایی سیاق سوره را به سور مکی شبیه تر می داند (طباطبایی، 1417، 94/19).

سید قطب می گوید: سیاق این آیه، نشانه‌های مکی را آشکار می‌سازد. (سید بن قطب، 6، 3445/1412). تفسیر من وحی القرآن نیز سوره را مکی دانسته (فضل الله، 1419، 299/21). تفسیر الکاشف نیز سوره را مکی دانسته (مغنیه، 1424، 203/7).

ابن عاشور سبب نزول این سوره را پاسخی نسبت به سوال مشرکین اهل مکه در باره رحمن دانسته «وَ إِذَا قِيلَ لَهُمْ اسْجُدُوا لِلرَّحْمَنِ قَالُوا وَ مَا الرَّحْمَنُ» و در همین راستا سوره را مکی معرفی نموده و این نظر را عقیده جمهور صحابه و تابعین دانسته اما در ادامه روایت ابن عباس را نقل نموده که این سوره را مدنی دانسته است که در ماجرای صلح، ابی سهیل بن عمرو در اول صلحنامه بسم الله الرحمن الرحيم نوشته است، ابن عاشور دوباره در جهت تقویت نمودن مکی بودن سوره روایت ابن مسعود مبنی بر مکی بودن سوره را ذکر نموده و روایت ابن عباس که به جز آیه 29 همه سوره مکی است را بیان می‌دارد و این نظریه را با قول کسانی که می‌گویند الرحمن در جواب مشرکین مکه که می‌گفتند «إِنَّمَا يُعَلِّمُهُ بَشَرًا» نازل شده تا بگوید قرآن تعلیم رحمن است نه یک بشر، در تعارض دانسته. وی در نهایت نظر صحیح تر را مکی بودن این سوره اعلام می‌کند. (ابن عاشور، 1420، 215/27)، زحیلی پس از نقل روایات مختلف در مکی یا مدنی بودن سوره اصح اقوال را مکی بودن سوره دانسته و دلیل آن را روایت عروه بن الزبیر (قال: أول من جهر بالقرآن بمكة بعد النبي صلى الله عليه وسلم ابن مسعود...) و روایت ترمذی از جابر دانسته (الترمذی عن جابر قال: خرج رسول الله صلى الله عليه وسلم على أصحابه، فقرأ عليهم سورة (الرحمن) من أولها إلى آخرها، فسكتوا، فقال: «لقد قرأتها على الجن ليلة الجن، فكانوا أحسن مردودا منكم، كنت كلما أتيت على قوله: فَبِأَيِّ آلَاءِ رَبِّكُمَا تُكَذِّبَانِ قالوا: لا بشيء من نعمك ربنا نكذب، فلك الحمد» زحیلی می‌گوید این روایات دلیل بر مکی بودن است (زحیلی، 1411، 192/27-191). طنطاوی پس از نقل اقوال مختلف قول قرطبی در مکی بودن را پذیرفته و آن را موجب اطمینان نفس دانسته وی سپس خود به سیاق آیات برمکی بودن استدلال نموده: لأن السورة من أولها إلى آخرها فيها سمات القرآن المكي، الذي يغلب عليه الحديث المفصل عن الأدلة على وحدانية الله و قدرته و عظم نعمه على خلقه، و المقارنة بين حسن عاقبة الأخبار، و سوء عاقبة الأشرار... (طنطاوی، 1997م، 125-126/14).

## 5- نقد و بررسی دلایل قائلان به مکی بودن سوره ی الرحمن

1- روایت جابر که می گوید: "هنگامی که رسول خدا(ص) سوره رحمن را بر اصحاب خود قرائت کرد و به سرانجام رساند، فرمود: چرا سکوت کرده اید؟ به طور حتم واکنش جنیان از شما بهتر بود! هر بار که آیه "فبأی آلاء ربکما تکذبان" (رحمن/13) را قرائت نمودم آنان گفتند: ای خدای ما، هیچ یک از نعمت های تو را تکذیب نمی کنیم، تو را شکر می کنیم". سیوطی در الاتقان به این حدیث استناد کرده و می گوید: داستان جنیان در مکه بوده است. (سیوطی، 1421، 65/1).

پاسخ: این که پیامبر اسلام (ص) اشاره ای به توجه جنیان به محتوای سوره نموده است دلیلی بر این که ماجرای جن در مکه اتفاق افتاده، وجود ندارد؛ زیرا ملازمه ای بین این ماجرا و نزول سوره الرحمن در مکه وجود ندارد. چه بسا این ماجرای دیگری در مدینه باشد و صرف تصور ناقل که گفته است جنیان آن را شنیده اند برای اثبات مکی بودن این سوره کافی نیست.

2- روایت احمد در مسند خود از اسماء دختر ابوبکر که گفته است: "شنیدم رسول خدا(ص) به سوی رکن نماز می گزارد، قبل از آنکه مأموریتش را آشکار کند، و درحالی که مشرکان می شنیدند، قرائت فرمود: «فبأی آلاء ربکما تکذبان». و این دلیل بر آن است که این سوره قبل از سوره حجر نازل شده است.

پاسخ 1: این روایت با فرض صحت - دلالت دارد بر نزول این سوره در ابتدای بعثت؛ زیرا در آن آمده است: «پیش از آن که بر آشکار کردن رسالت امر شود»؛ حال آن که اولاً؛ هیچ کس به این نظر قائل نیست. ، ثانیاً؛ سند این حدیث ضعیف است، (همان گونه که در مسند آمده) زیرا ابن لهیعه، قاضی مصر، در طریق حدیث است که مورد طعن (اصحاب حدیث) قرار گرفته و ابن معین نیز او را ضعیف دانسته، می گوید: به حدیث او استدلال نمی شود. بنابراین چنین دیدگاهی با وجود دلایل ضعف سند، نمی تواند دلیل اثبات مکی بودن سوره الرحمن باشد (معرفت، 1415، 151/1-150).

پاسخ 2: این روایت که نزول سوره حجر را بعد از الرحمن بیان می کند و آن را دلیل مکی بودن دانسته، نمی تواند اثبات کننده باشد چنانکه در معرفی سوره های مکی غالباً نزول سوره حجر در سال هفتم آمده است و حال آنکه دعوت آشکار رسول خدا(ص) در سال سوم بعثت بوده .

3- نظر سیدقطب: وی به جهت لحن و نسق (نظم)، مکی بودن سوره را ترجیح می دهد و می گوید در سیاق این سوره نشانه های قرآن مکی آشکاراست (سیدبن قطب، 1412، 3445/6).

پاسخ 1: تردیدی نیست که طنین جذاب سوره الرحمن چونان طنین غالب سوره های مکی بلکه از نافذترین آن ها بر گوش جان است. لیک این به تنهایی نمی تواند دلیلی بر مکی بودنش باشد، چرا که ویژگی خاص سوره های مکی نیست و در سوره های مدنی همچون سوره های زلزال، بینه، انسان و ... نیز می توان این لحن و این ویژگی را مشاهده کرد. در مقابل هستند سوره هایی که بدون تردید مکی اند و لهجه و بیانی آرام و متعادل دارند مثل سوره های یوسف، یونس، هود، انعام، اعراف و بسیاری دیگر.

پاسخ 2: اینکه آیاتی که دارای شدت لحن هستند مکی و آیاتی که با لحن نرم بیان شده اند مدنی بشمار آورد، نمی تواند یک ملاک کلی در مکی و مدنی بودن آیات و سوره ها باشد و این ملاک با آیات مربوط به ربا «یا ایُّهَا الَّذِینَ آمَنُوا اتَّقُوا اللَّهَ وَ ذَرُوا مَا بَقِيَ مِنَ الرِّبَا إِن كُنْتُمْ مُؤْمِنِینَ فَإِن لَّمْ تَفْعَلُوا فَأْذَنُوا بِحَرْبٍ مِنَ اللَّهِ وَ رَسُولِهِ وَإِن

تُبْتُمْ فَلَكُمْ رُؤُسُ أَمْوَالِكُمْ لَا تَظْلِمُونَ وَلَا تُظْلَمُونَ» (بقره/ 279) نقض می‌شود، چون آیات مربوط به ربا مدنی هستند و در عین حال لحن آن آیات شدید می‌باشد و یا آیات مربوط به منافقین و بعضی از اهل کتاب و یا آیات سوره براءت، از جمله آیاتی هستند که در مدینه نازل شده اند ولی در عین حال لحن این آیات شدید می‌باشد، پس مدارا و نرمی آیات را نمی‌شود ملاک مدنی بودن قرار داد، در مقابل، بعضی از آیات مکی را داریم که لحن آنها نرم و ملایم می‌باشد مثل آیه: «قُلْ يَا عِبَادِيَ الَّذِينَ أَسْرَفُوا عَلَىٰ أَنفُسِهِمْ لَا تَقْنَطُوا مِن رَّحْمَةِ اللَّهِ إِنَّ اللَّهَ يَغْفِرُ الذُّنُوبَ جَمِيعًا إِنَّهُ هُوَ الْغَفُورُ الرَّحِيمُ» (زمر/ 53) این آیه در سوره زمر است که در مکه نازل شده در عین حال لحن آن نرم و ملایم است پس نمی‌توان گفت که ملاک مکی بودن فقط شدت لحن است.

پاسخ 3: اینکه کسانی مانند سید قطب به سیاق استدلال کرده اند اگر منظور سیاق ساختاری مانند بلندی و کوتاهی آیات و سُور را ملاک مکی و مدنی بودن باشد این نیز مورد اشکال است مثلاً سوره انعام که 156 آیه دارد و یا سوره اعراف که 206 آیه دارد و سوره مؤمنون که 118 آیه دارد و سوره انبیاء که 112 آیه دارد همگی مکی هستند و آیات طولانی دارند و در مقابل بعضی از سوره‌های کوچک، مدنی هستند از جمله سوره نصر و سوره زلزله، پس بلندی و کوتاهی آیات و سُور هم، نمی‌تواند دلیل تام مکی و مدنی بودن آنها باشد.

4- روایت مقاتل بن سلیمان، ابن عاشور، ابن جوزی و احمد بن محمد میبیدی که سبب نزول سوره الرحمن را آیه «وَ إِذَا قِيلَ لَهُمْ اسْجُدُوا لِلرَّحْمَنِ» در سوره فرقان می‌دانند که چون سوره فرقان مکی است پس سوره الرحمن قبل از آن نازل شده است.

پاسخ: مسأله سبب نزول که مقاتل، ابن عاشور و دیگران قائل بودند تناقضی آشکار است چرا که در اسناد مربوط به ترتیب نزول سور توسط قائلین به مکی بودن الرحمن، این سوره سال چهارم نازل شده و چهل و سومین سوره است و حال آنکه سوره فرقان سال دهم و شصت و ششمین سوره می‌باشد و ارتباط زمانی ندارند.

## 6- مرددین بین مکی و مدنی

عده زیادی از مفسران به علت نا تمام بودن دلایل قائلین به مکی بودن سوره «الرحمن»، در مکی بودن این سوره تردید نموده اند که به معرفی آنان می‌پردازیم :

شیخ طوسی صرفاً بیان داشته عده ای سوره «الرحمن» را مکی دانسته و عده ای مدنی می‌دانند ایشان خود در این زمینه نظری ارائه نداده است (طوسی، بی تا، 462/9).

سروده ابن حصار: ابن حصار در سروده ی خود 20 سوره را مدنی، 12 سوره را اختلافی و بقیه را مکی به حساب آورده است. سوره ی الرحمن در این سروده مانند رعد جزو سوره هایی قرار گرفته است که در آن اختلاف هست. (سیوطی، 1421، 1/37-38).

«الرَّعْدُ مُخْتَلِفٌ فِيهَا مَتَى نَزَلَتْ  
وَأَكْثَرُ النَّاسِ قَالُوا الرَّعْدُ كَالْقَمَرِ  
وَمِثْلُهَا سُورَةُ الرَّحْمَنِ شَاهِدُهَا  
مِمَّا تَضَمَّنَ قَوْلَ الْجِنِّ فِي الْخَبَرِ..»

فیض کاشانی سوره را مکی دانسته گرچه گفته برخی آن را مدنی دانسته اند (فیض کاشانی، 1415، 106/5). این نقل قول نشان دهنده آن است که در نظر خود مبنی بر مکی بودن قاطع نیست. علامه «شبر» این سوره را مکی دانسته و گفته بنا بر قولی آیه 29 مدنی است. (شبر، 1407، 125/6)، تفسیراً نوار التنزیل و أسرار التأویل سوره را مکی یا مدنی یا مبعض یعنی برخی آیات آن مکی و برخی مدنی دانسته و میان این سه ترجیحی نداده است (بیضاوی، 1418، 170/5). علامه طباطبایی نیز در مدنی بودن سوره الرحمن تشکیک نموده و می فرماید: «و السورة یحتمل کونها مکیة او مدنیة، و ان کان سیاقها بالسیاق المکی اشبه.» در مورد این سوره، احتمال مکی و مدنی بودن می‌رود؛ هر چند سیاقش به مکی شبیه‌تر است.» (طباطبایی، 1417، 97/19).

ألوسی سه نظر در مکی یا مدنی بودن سوره بیان نموده:

یکی: بنا بر قول جمهور سوره مکی است وی این قول را مبتنی بر روایت ابن مردویه از عبد الله بن زبیر و عائشة و ابن نحاس از ابن عباس دانسته است .

دو: بنا بر روایت ابن ضریس و ابن مردویه و بیهقی از ابن عباس، و روایت مقاتل، و ابن مسعود، این سوره مدنی

است.

سه: بر اساس روایتی از ابن عباس و جمال القراء از بعضی صحابه به جز آیه «يَسْأَلُهُ مَنْ فِي السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضِ» مدنی است. (ألوسی، 1415، 960/14).

ثعلبی تصریحی بر مکی یا مدنی بودن سوره ندارد اما قولی نقل نموده که الرحمن در پاسخ اهل مکه که درباره قرآن می گفتند «إِنَّمَا يُعَلِّمُهُ بَشَرًا» نازل شده است (ثعلبی، 1422، 177/9). البته از آنجا که این نظر را با (قیل) نقل نموده مشخص می شود به آن تمایلی ندارد. «سید قطب» گرچه در عنوان سوره آن را مدنی دانسته، ولی در هنگام تفسیر، سوره را مکی دانسته که سیاق خاصی در آن لحاظ شده (سیدبن قطب، ، 3445/6). «بغوی» در معالم التنزیل گفته سوره مکیه است و برخی آن را مدنی دانسته اند (بغوی، 1420، 330/4). «تفسیر ابوالسعود» در عنوان بحث سوره را مدنی ذکر نموده اما در ادامه با تردید گفته مدنی یا مکی یا متبعضه (ابوالسعود، 1983، 176/8). همچنین بغدادی در لباب التأویل مکی و مدنی هر دو را نقل نموده (خازن، 1415، 225/4).

سید علی اکبر قرشی اول می گوید سوره الرحمن در مکه نازل شد و در عین حال در ادامه می گوید: در مقدمه تفسیر گذشت که سوره الرحمن یازدهمین سوره نازل شده در مدینه است و بعد از سوره رعد نازل گردید، در ترتیب فعلی قرآن مجید سوره پنجاه پنجم می‌باشد. و نیز در مقدمه گفته شد: دوازده سوره از جمله سوره الرحمن مختلف فیه است که در مکه نازل گشته یا در مدینه، آیات و مطالب آن به هر دو قابل تطبیق است، ولی به مکی بودن بیشتر شباهت دارد... اما قرشی به هنگام تفسیر آیات می گوید: سورة الرحمن مکیة او مدنیة! (قرشی، 1375 ه.ش، 465-468/10).

تردید این دانشمندان و غالب بودن قائلین به مدنی بودن آن نشان می دهد، اولاً مکی بودن سوره الرحمن اتفاقی نیست، ثانياً مخالفان زیادی دارد که با وجود دلایل نخست که یادآوری شد، مدنی بودن آن را تقویت می کنند.

نکته: برخی از دانشمندان سوره الرحمن را در شمار سوره های مکی و مدنی نیاورده و آن را یک سوره اختلافی دانسته اند؛ از جمله اینکه أبو داود سلیمان بن نجاج در کتاب «مختصر التبیین لهجاء التنزیل» بیان داشته که بیست و یک سوره در مدینه نازل شده است که عبارت اند از: البقرة، آل عمران، والنساء، والمائدة، والأنفال، والتوبة، والنور، والأحزاب، والقتال، والفتح، والحجرات، والحديد، والمجادلة، والحشر، والملتحنة، والجمعة، والمنافقون، والطلاق، والتحريم، ولم یکن، والنصر. و در مورد نزول نوزده سوره اختلاف است که عبارتند از: الحمد، والرعد، والنحل، والحج، وص، والرحمن، والصف، والتغابن، والإنسان، والمطففين، وسبح، والفجر، واللیل، والقدر، والزلزلة، والعدیات، والإخلاص، والمعوذتان. ولی بقیه سوره ها جملگی در مکه نازل شده اند که هفتاد و چهار سوره هستند. و جمعا یکصد و چهارده سوره می باشند. (حقیقه الدكتور أحمد شرشال، رسالة علمية لمرحلة الدكتوراه ص: 10). هبة الله بن سلامة المفسر در کتابش: «الناسخ والمنسوخ» سوره هایی که در مدینه نازل شده اند متفقا بیست و یک سوره هستند که عبارتند از: البقرة، آل عمران، النساء، المائدة، الأنفال، التوبة، النور، الأحزاب، الفتح، الحجرات، المجادلة، الحشر، الممتحنة، الصف، الجمعة، المنافقون، التغابن، الطلاق، التحريم، القدر، البينة. و در مورد نزول هفده سوره اختلاف وجود دارد: الفاتحة، والرعد، النحل، الحج، العنكبوت، محمد (صلى الله عليه وسلم)، الرحمن، الحديد، الإنسان، عبس، المطففين، الليل، الزلزلة، النصر، الإخلاص، الفلق، الناس، وما عداها مكية. («الناسخ والمنسوخ»، "وخصائص السور والآيات المدنية" ص 58).

لذا هیچ کدام از ملاک هایی که ذکر شد نمی تواند ملاک مطلق، برای مکی یا مدنی بودن آیات و سوره قرار بگیرد. و ملاک واقعی برای مکی و مدنی بودن آیات و سوره در مواردی که روایت ترتیب نزول وجود دارد، روایت اخذ می کنیم و در مواردی که روایت وجود ندارد به قرائن و شواهد محتوایی یا تاریخی و غیره رجوع می کنیم. با توجه به نقدهای فوق و روایات ترتیب نزول، نظر صحیح این است که سوره الرحمن سوره ای مدنی است که در حدود سالهای چهارم و پنجم هجری نازل شده است. و آن چه از روایات و نقلهای ترتیب نزول استفاده میشود این که این سوره قبل از سوره هل ائی نازل در مدینه نازل شده است.

## 7- نتیجه

با توجه به اینکه روایات ترتیب نزول سوره های قرآن کریم به عنوان مهم ترین منبع شناسایی سوره مکی و مدنی، این سوره را در شمار سوره های مدنی ذکر کرده اند و اینکه قرائنی که قائلان به مکی بودن این سوره می آورند از اتقان کافی برخوردار نیست و اشکالاتی اساسی بر آنها وارد است می توان نتیجه گرفت که سوره الرحمن سوره ای مدنی است که در حدود سالهای چهارم و پنجم هجری نازل شده است. بر این اساس روایاتی که نزول سوره انسان را در مدینه و در شأن اهل بیت (ع) می داند تقویت می شود؛ زیرا مطابق روایات ترتیب نزول سوره، سوره الرحمن، قبل از سوره انسان و در مدینه نازل شده است.

سوره الرحمن یازدهمین سوره در بخش مدنی و در بین سوره های رعد و انسان نازل گردیده است. حال با توجه به اینکه سوره انسان چندی پس از تولد امام حسین (ع) و حدود سال پنجم هجری نازل شده است؛ بر این اساس می توان نزول سوره رعد را قبل از آن در حدود سال چهارم و پنجم هجری تخمین زد.



## كتابنامه:

### قرآن كريم

ابن الجوزى، ابو الفرج عبد الرحمن ، فنون الأفنان فى عجائب علوم القرآن، بيروت: مؤسسة الكتب الثقافية، چاپ اول، 1422ه.ق.

ابن الضريس البجلي، ابو عبد الله محمد بن ايوب، فضائل القرآن و ما أنزل من القرآن بمكة و ما أنزل بالمدينة، دمشق، دارالفكر، 1408 هـ ق - 1988م.

ابن نديم ،محمد بن اسحاق ،الفهرست،رضا تجدد،ايران، 1346 ش.

ابن جزى، محمد بن احمد، التسهيل لعلوم التنزيل، بيروت: دار الأرقم بن أبى الأرقم ، 1416.

ابن جوزى، عبدالرحمن بن على، زاد المسير فى علم التفسير، بيروت: دار الكتاب العربى، 1422.

ابن عاشور، محمدطاهر، تفسير التحرير و التنوير، بيروت: مؤسسة التاريخ العربى، 1420.

ابن كثير، اسماعيل بن عمر، تفسير القرآن العظيم، بيروت: دار الكتب العلميه، 1419.

ابوالسعود، محمد بن محمد، ارشاد العقل السليم الى مزايا القرآن الكريم، بيروت: دار إحياء التراث العربى، 1983.

ابوالقاسم هبة الله ابن سلامة ، الناسخ و المنسوخ، قاهره: امين الهنديه، 1315ه.ق.

ابوحيان، محمد بن يوسف، تفسير النهر الماد من البحر المحيط، بيروت: دار الجنان، 1407.

ابوعبدالله الزنجاني، تاريخ القرآن (للزنجاني)،تهران: منظمة الاعلام الاسلامى، چاپ اول، 1404ه.ق.

ابى عمرو عثمان بن سعيد داني، البيان فى عدّ آى القرآن،بيروت: ناشر دار الكتب العلميه،1432ه.ق.

استرآبادى، على، تأويل الآيات فى فضائل العتره الطاهره، قم: مؤسسه نشراسلامى، 1409ه.ق.

آل غازى، عبدالقادر، بيان المعانى، دمشق: مطبعة الترقى، 1382ه.ش.

آلوسى، محمود بن عبدالله، روح المعانى فى تفسير القرآن العظيم ، بيروت: دارالكتب العلميه، 1415.

اندلسى، محمد بن يوسف ابوحيان ، بحر المحيط، بيروت: دار الفكر: چاپ اول، 1420ه.ق.

بحرانى، هاشم بن سليمان، البرهان فى تفسير القرآن، قم، مؤسسه البعثه، 1415 ه.ق.

بغوى، حسين بن مسعود، تفسير البغوى المسمى معالم التنزيل، بيروت: دار إحياء التراث العربى، 1420.

بيضاوى، عبدالله بن عمر، أنوار التنزيل و أسرار التأويل، بيروت: دار إحياء التراث العربى، 1418.

بيهقى، ابوبكر احمد بن الحسين،دلائل النبوه و معرفه احوال صاحب الشريعه،بيروت: دارالكتب العلميه،چاپ

اول، 1408 ه.ق.

ثعالبي، عبدالرحمن بن محم، الجواهر الحسان فى تفسير القرآن، بيروت: دار إحياء التراث العربى، 1418.

ثعلبي نيشابوري، ابو اسحاق احمد بن ابراهيم، الكشف و البيان عن تفسير القرآن، بيروت: دار احياء التراث العربي، چاپ اول: 1422ه.ق.

ثقفى تهراني، محمد، روان جاويد در تفسير قرآن مجيد، تهران: برهان، چاپ دوم، 1398ه.ق.  
حوى، سعيد، الاساس فى التفسير، قاهره: دارالسلام، چاپ ششم، 1424.

خازن، على بن محمد، لباب التأويل فى معانى التنزيل، بيروت: دار الكتب العلميه، 1415.

دخيل، على محمد على، الوجيز فى تفسير الكتاب العزيز، بيروت: دار التعارف للمطبوعات، 1422.  
ربانى، محمد شفاعت، المكي و المدنى، بيروت: ناشر دار الكتب العلميه، بى تا.

زحيلي، وهبه، التفسير المنير فى العقيدة و الشريعة و المنهج، دمشق: دار الفكر، چاپ دوم، 1411.

زرقانى، محمد عبد العظيم، مناهل العرفان فى علوم القرآن، بى جا: دار احياء التراث العربى. بيتا.

زرکشى، محمد بن عبد الله، البرهان فى علوم القرآن، بيروت: دارالمعرفة، چاپ اول، 1410ه.ق.

زمخشرى، محمود بن عمر، الكشف عن حقائق غوامض التنزيل، بيروت: دار الكتاب العربى، 1407.

زهري، ابن شهاب، تنزيل القرآن، صلاح الدين المنجد بيروت: دارالكتاب الحديث، ط2، 1980م.

سبزواری، محمد، ارشاد الاذهان الى تفسير القرآن، بيروت: دار التعارف، 1419.

سखाوى، على بن محمد بن عبد الصمد، جمال القراء و كمال الاقراء، بيروت: مؤسسه الكتب الثقافيه، چاپ اول، 1419ه.ق.

سمرقندى، نصر بن محمد، تفسير بحر العلوم، بيروت: دارالفكر، 1416ه.ق.

سيد بن قطب بن ابراهيم شاذلى، فى ظلال القرآن، بيروت: دارالشروق، 1412 هـ. ق.

سيوطى، جلال الدين، الإتقان فى علوم القرآن، بيروت: ناشر دارالكتب العربى، چاپ دوم 1421ه.ق.

سيوطى، جلال الدين، الدر المنثور فى تفسير الماثور، قم: كتابخانه آيت الله مرعشى نجفى، چاپ اول 1404ه.ق.

شبر، عبدالله، الجوهر الثمين فى تفسير الكتاب المبين، كويت: شركة مكتبة الالفين، 1407.

شهرستانى، محمد بن عبدالكريم، مفاتيح الأسرار و مصابيح الأبرار، تهران: مركز البحوث و الدراسات للتراث المخطوط، 1387ه.ش.

شوكانى، محمد بن على، تفسير فتح القدير، دمشق: مؤسسه الكتب الثقافيه، چاپ اول، 1414ه.ق.

شيبانى، محمد بن حسن، نهج البيان عن كشف معانى القرآن، قم: الهادى، 1413.

صاوى، احمد بن محمد، حاشية الصاوى على تفسير الجلالين، بيروت: دارالكتب العلميه، 1427.

صبحى صالح، مباحث فى علوم القرآن، قم: منشورات الرضى، چاپ پنجم، 1372ه.ش.

طباطبایى، محمد حسين، الميزان فى تفسير القرآن، قم: دفتر انتشارات اسلامى جامعهى مدرسین حوزه علميه قم، چاپ اول، 1417ه.ق.

طبرسى، فضل بن حسن، مجمع البيان فى علوم القرآن، تهران: انتشارات ناصر خسرو، چاپ اول، 1372ه.ش.

طنطاوى، محمد سيد، التفسير الوسيط للقرآن الكريم، قاهره: نهضة مصر، 1997م.

طوسى، محمد بن حسن، التبيان فى تفسير القرآن، بيروت: دار احياء التراث العربى، بى تا.

- عیاشی، ابی نصر محمد بن مسعود ، تفسیر عیاشی، قم: موسسه العثه، 1378ه.ش.
- فخر رازی، محمد بن عمر، التفسیر الکبیر (مفاتیح الغیب)، بیروت: دار إحياء التراث العربی، چاپ سوم، 1420.
- فضل الله، محمد حسین، تفسیر من وحی القرآن، بیروت: دار الملائک، 1419.
- فیض کاشانی، محمد بن شاه مرتضی، تفسیر الصافی، تهران: مکتبه الصدر، چاپ سوم، 1415.
- قرشی بنابی، علی اکبر، احسن الحدیث، تهران: بنیاد بعثت، چاپ دوم، 1375ه.ش.
- قرطبی، محمد بن احمد، الجامع لاحکام القرآن، تهران: ناشر ناصر خسرو، چاپ اول، 1364ه.ق.
- کاشانی، فتح الله بن شکرالله، زبده التفاسیر، قم: مؤسسه المعارف الإسلامیة، 1423.
- کاشفی، حسین بن علی، تفسیر حسینی (مواهب علیہ)، سراوان: کتابفروشی نور، بی تا.
- معرفت، محمد هادی ، التمهید فی علوم القرآن، قم: موسسه النشر الاسلامی، چاپ اول، 1415ه.ق.
- معرفت-----، علوم قرآنی [موسسه التمهید، چاپ هشتم، 1386ش.
- مغنیة، محمد جواد، تفسیر الکاشف، تهران: دار الکتب الاسلامیة، چاپ اول، 1424ه.ق.
- مقاتل بن سلیمان، تفسیر مقاتل بن سلیمان، بیروت: دار إحياء التراث العربی، 1423.
- میبدی، احمد بن محمد، کشف الاسرار و عدة الابرار، تهران: امیر کبیر، چاپ پنجم، 1371ه.ش.
- هروی، ابوعبید القاسم بن سلام ، فضائل القرآن (للهروی)، بیروت: دارالکتب العلمیة، چاپ اول: 1426ه.ق.
- همو، التحبیر فی علم التفسیر، بیروت: دارالفکر، چاپ اول، 1421ه.ق.
- واحدی، علی بن احمد، الوجیز فی تفسیر الکتاب العزیز، بیروت: دار القلم، 1415.
- واحدی، نیشابوری، علی بن أحمد بن محمد ، أسباب النزول، تحقیق : عصام بن عبد المحسن الحمیدان، بیروت: دار الفکر، بی تا.
- وراق البغدادی (ابن ندیم)، أبو الفرج محمد بن إسحاق ، الفهرست، محقق ابراهیم رمضان ، بیروت: دار المعرفة، 1417ه.ق.
- یعقوبی، احمد بن اسحاق، تاریخ یعقوبی، تهران: مرکز انتشارات علمی و فرهنگی، 1362ه.ش.

